

نگاه

تله؛ یکی از بدترین فیلم‌های امسال

فرزانه‌متین؛ فیلم تله Trap ۲۰۲۴ محصول آمریکا به کارگردانی ام نایت شامالان از فیلم‌های روز سال جاری است. با توجه به اینکه شیامالان با ساخت آثاری همچون «حس ششم»، «نشانه‌ها» و «هکده‌ها»، استاد تعلیق در سینمای مدرن محسوب می‌شود، مخاطبان زیادی را برای تماشا راهی سالن‌های سینما کرده است؛ اما متأسفانه بینندگان با یکی از بدترین فیلم‌های او روبه‌رو شده‌اند. در «تله» که در زانر هیجان‌انگیز، ترسناک، جنایی و دلهره‌آور قرار دارد، بازیگرانی مانند جاش هارتنت، آریل داناهاو و سالکا شیامالان (دختر کارگردان) به ایفای نقش پرداخته‌اند. داستان از جایی شروع می‌شود که پدري همراه دخترش وارد یک سالن بزرگ کنسرت می‌شوند و از همان ابتدا حضور پرتعداد نیروهای امنیتی و ماشین‌های پلیس چندان طبیعی به نظر نمی‌رسد. این در حالی است که با آغاز کنسرت، به تعداد مأموران اضافه می‌شود و نیروهای ضربت هم به تیم افبی‌آی حاضر در سالن و نیروهای دیگر اضافه می‌شوند. پدر دست به کنجکاری می‌زند تا بفهمد قضیه از چه قرار است. او از زیر زبان یکی از کارمندان بیرون می‌کشد که کل این کنسرت تله‌ای است که برای یک قاتل سریالی با نام مستعار قصاب پهن شده است. ۲۰ دقیقه بعد از این ماجرا، پدر دختر به نام کوپر کم‌کم تغییر حالت می‌دهد و رفتار و حرکاتش عجیب و غریب می‌شود و در حالت اضطراب به سر می‌برد و با بهانه‌های واهی جایگاه خود را در کنسرت ترک می‌کند و خیلی راحت مخاطب متوجه می‌شود قصاب همان کوپر است. او دامنًا با وجود این همه مأمور افبی‌آی که لحظه به لحظه بر تعدادشان افزوده می‌شود، در حال چاره‌ای برای فرار است. از آنجا که یک ساعت فیلم در صحنه کنسرت است، به‌شدت مخاطب را کسل می‌کند و نماها حوصله‌بر است. گویی کارگردان به دلیل بازی دخترش در نقش خواننده می‌خواسته به تبلیغ او بپردازد. هرچقدر فیلم جلوتر می‌رود، بیننده بدست‌کم گرفته و به شعور او توهین می‌شود. قاب‌بندی‌های ساده، فیلم‌برداری ضعیف، فیلم‌نامه بی‌دروپیکر و بازی‌های ضعیف از شاهکارهای این فیلم است. شاید روایت داستان قاتل زنجیره‌ای تکراری است، اما اثر «تله» می‌توانست بدیع باشد. فیلم در زمره هیچ ژانری نمی‌گنجد؛ نه جنایی است، نه دلهره‌آور و نه ترسناک. فقط سازنده کمی چاشنی هیجان به آن افزوده است.

بعد از پایان کنسرت و به گروگان گرفتن خواننده و فرار از دست آن‌همه مأمور، کمی از روند کند داستان فاصله گرفته می‌شود و تمرکز بیشتر بر روی قصاب می‌رود و نوید آن را می‌دهد که نیمه دوم و انتهایی فیلم جذاب و خاص است؛ اما این نیمه هم به‌شدت ضعیف است. در فیلم «تله»، ما با یک سری سؤالات اساسی روبه‌رو می‌شویم که هیچ پاسخی برای آن در طول فیلم دریافت نمی‌کنیم:

۱- کوپر، مقول‌های خود را بر اساس چه متغییری انتخاب می‌کرده؛ سن، جنس، هویت شغلی یا خانوادگی و…؟
۲- آنکیزه اصلی قصاب از تکه‌تکه‌کردن مقول چیست؟
۳- دلیل اصلی کوپر برای اینکه افراد را به صورت سریالی می‌کشد، چه بوده است؟
۴- در فیلم اشاره‌هایی به کودکی آسیب‌پذیر او می‌شود، اما کارگردان حتی نمی‌خواهد دلیل آن را برای ما بیان کند، این آسیب برای چه بوده است؟
۵- اگر او از کودکی مریض بوده، چرا در میانسالی قاتل شده است؟
۶- این همه تشکیلات برای دستگیری قاتل بدون آنکه حتی تصویر و شکل و شمایی از آن داشته باشند، فقط اینکه مرد است و در صحنه جرم بلیت کنسرت پیدا کرده، بدون آنکه از نامش اطلاع داشته باشند، بر چه اساسی می‌خواهند او را دستگیر کنند؟
۷- با وجود این همه مأمور، او چطور می‌تواند از دست آنها فرار کند بدون آنکه کسی متوجه شود و سر از جاهایی درآورد در کمالا در محاصره افبی‌آی است و دوباره به خانه خودش بازگردد و ده‌ها سؤال دیگر که در طول فیلم به آن پاسخ داده نمی‌شود. ام نایت شیامالان، هیچ ایده جدیدی برای ساخت فیلم جدیدش نداشته و باید «تله» را پایان کارگردانی او بدانیم.

یادداشت

عزم عظیم هنر

از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۲ هنرستان‌ها نهن‌تها افزایشی را تجربه نمی‌کنند، بلکه با تعطیلی یک هنرستان به فعالیت ادامه می‌دهند تا در دولت یازدهم به تعداد پیشین بازگردند. نتیجه اقدامات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های ۱۳۹۶ تا

۱۴۰۰ منجر به تأسیس ۲۰ باب هنرستان جدید می‌شود و شمار مدارس هنر به ۵۹ باب افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که اگر بخواهیم در مراکز استانی و منطقه‌ای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی غیر از استان تهران فقط دو هنرستان (یکی دخترانه و یکی پسرانه) فعال باشند، دست‌کم به ۶۴ هنرستان نیازمندیم و اگر بخواهیم این شمار به تعداد شهرهای کشور باشد، با تقصای بزرگ مواجهم. باید دانست که تأسیس هنرستان‌های هنرهای زیبا امری دولتی و منحصراً در حوزه اختیار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری وزارت آموزش و پرورش است. نکته‌ای که اهمیت تحقق عدالت آموزشی را بیشتر می‌نمایاند که تیلور آن حضور فارغ‌التحصیلان این مدارس در فهرست برترین‌های کنکور است. از این رو است که باید نام بی‌تا ترابی از هنرستان هنرهای زیبای مشهد و فاطمه آتشگر از هنرستان هنرهای زیبای قزوین را که در شمار پنج نغر نخست هستند، به غرور در خبرها مرور کرد. کلان‌شهر مشهد که هنرستان دخترانه‌اش پس از چند سال تعطیلی با پیگیری‌های جدی در بنایی جدید در ایام طاقت‌سنوس سلطه کرنا تدارک دیده شد تا از مهرماه ۱۴۰۰ میزبان دختران هنرمند خراسان باشد و هنرستان دخترانه قزوین که در دولت دوازدهم تأسیس شد. از قدیم گفته‌اند: «آفتاب آمد دلیل آفتاب» و از نقل این گفته می‌خواهم مجاهدت و مراقبتی را یادآوری کنم که در لابه‌لای اخبار خودساخته و آمار برساخته این روزها، مخدوش و مفقود و فراموش‌شده است. ایجاد ۲۰ باب هنرستان در مدت ۲۵ ماه در استان‌های مختلف و توقیف مستمر هنرجویان این مدارس، خداقوت از جان برآمده‌ای برای همه دست‌اندرکاران مخدوم این ماجراست. کوشش برای گسترش آموزش رسمی و استاندارد هنر صرفاً در قاب مدرسه و ساختمان و کلاس محدود نیست، بلکه به شناخت و طرح اهمیت موضوع در جلسه اختصاصی شورای عالی آموزش و پرورش و ده‌ها جلسه در سطح معاونان وزرا و امضای تقاهم‌نامه وزیران و اهتمام مدیران ارشد مرتبط و تلاش مدیران استانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ده‌ها اقدام لازم دیگر گره خورده است. اقدامی که مبادا باورمندی به ضرورت تمهید و تدبیر و تدارک فرصت آموزشی نوجوانان مستعد و علاقه‌مند کشورومان است، چه باک اگر در سال‌های اخیر در مصادره آن از مصاحبه‌ها دریغ نکردند و کارنامه‌های معجول نسناسخته‌اند. اینک که دولت چهاردهم تازانه‌نقش به میدان خدمت آمده و ساخت‌های مهم بهداشت و آموزش را وظیفه و تکلیف خود می‌داند، امید می‌رود که طرح تأسیس دست‌کم دو هنرستان دخترانه و پسرانه در مراکز استانی و منطقه‌ای به فوریت در فهرست خدمات این دولت قرار گیرد و قدر گوهر هنرستان و استادان شریف آن بیش‌ازپیش دانسته شود و مانند مدرسه صنایع مستظرفه، فارغ‌التحصیلان آن در زمره نامداران و ماندگاران هنر ایران سرفراز باشند. ای‌دون باد.

باز هم نمایش موسیقایی سیصد و باز هم ایران

در سال‌های اخیر پیش از گذشته، «ایران» به موضوع کنسرت نمایش‌های هنری بدل شده است. برادران پورناظری یعنی سهراب و تهموس پورناظری به‌عنوان یکی از مجرب‌ترین استادان و هنرمندان موسیقی ایران دراین‌باره ایفاگر نقش اثرگذار و ویژه‌ای هستند. در سال ۱۳۹۶ کنسرت نمایش سی با هنرنمایی سهراب پورناظری و آواز همایون شجریان توجه بسیاری از هنردوستان و علاقه‌مندان را به خود جلب کرد. این نمایش موسیقایی توانست رکورد بالاترین بازدیدکننده را به نام خود ثبت کند. پس از آن در سال ۱۴۰۱ نمایش سیصد اجرا شد که با هنرنمایی گروهی از هنرمندان کشور مخاطبان درخورتوجهی را به خود جلب کرد و زمان پخش برنامه بارها تمدید شد. از خردادماه امسال نیز سری جدید نمایش موسیقایی سیصد با هنرنمایی تعدادی از هنرمندان کشور در کاخ موزه سعدآباد در حال اجراست و تاکنون به جز وقفه ایام محرم این اجرا همچنان با استقبال علاقه‌مندان روبه‌روست. طراحی مناسب صحنه‌ها و دکور، روایت و قصه مناسب و بازی خوب هنرمندانی مانند نوید محمدزاده، بهرام رادان و بهرام افشاری و بانو گوهر خیراندیش و قطعات دلپذیر موسیقی از جمله نقاط قوت این اثر هنری است. داستان این نمایش موسیقایی درباره هجوم مغول به شیراز و تخریب تخت جمشید و تصاحب جام جم است که با مقاومت مردم شیراز روبه‌رو می‌شود. در لابه‌لای داستان نیز موسیقی هنرمندانه‌ای بر جذابیت حال‌وهوای نمایش می‌افزاید.

۱- اگر تکیه ایران که از ابتدا تا انتهای برنامه نمایشی و موسیقایی این کار فاخر یعنی سیصد گات، همچنان شیون و منافع ملی ایرانیان و پاسداشت زینان تمدنی و فرهنگی و ملی یعنی زبان فارسی مورد توجه قصه و نمایش و موسیقی این اثر هنری است، سخنی به گزاف گفته نشده است. گوران، رحمانیان، پورناظری‌ها در کنار بازیگران برجسته سینمای کشور نیز به‌خوبی از عهده به فرجام رساندن اهداف این اثر هنری برآمدند. بازی عالی نوید محمدزاده در نقش فردوسی که در رستخیزی از خاک برآمده و دل‌نگران ایران و زبان فارسی است، از بخش‌های به‌یادماندنی این اثر هنری است. استقبال موج گسترده تماشاگران از سیصد گات، نشانه‌ای از موفقیت این برنامه در جذب گسترده مخاطبان است.
۲- در بخش‌هایی از نمایش قوم مهاجم و خون‌ریز مغول به سوسور نامداین به شکل متونسان کرک خاکستری نمایان می‌شود؛ نمادی که در تاریخ معاصر



احسان هوشمند

مذبوحانه ضد ایرانی نتواند جای خوش کند اما نگرانی دربارۀ فعالیت‌های ضد ایرانی موضوع باهمین است که در این اثر نمایشی بر دل می‌نشیند و مخاطب را متوجه این‌همانی‌ها و این تشبیه می‌کند.

۳- در سال‌های گذشته، اعلام بازخوانی صوتی یک اثر ضد ایرانی از طرف یکی از هنرمندان کشور موجب بروز نگرانی‌هایی دربارۀ این‌ها شد، اما بازی با احساس جدی نوید محمدزاده در نقش فردوسی مانند آبی زلال موجب شد تا آن گمانه به هیچ بدل شود. نوید محمدزاده در نقش فردوسی با چنان حرارتی از ایران و ایرانیان و زبان فارسی گفت که تماشاگران بی‌شمار این اثر فاخر را بارها به وجد آورد. پورناظری‌ها به‌ویژه سهراب پورناظری با خلق چنین آثار هنری به سهم خود نقش مشهودی در تحکیم انسجام و همبستگی ملی ایفا کرده و ایفا می‌کنند. به این‌ایران‌دوسان هنرمند پیشنهاد می‌شود برای جذب مخاطبان بیشتری از میان اقشار مختلف اجتماعی و نیز اجرای برنامه در دیگر نقاط ایران برنامه‌ریزی کنند تا بیش‌ازپیش چنین آثار فاخری بتواند در سطحی وسیع‌تر مخاطب بیابد. در غیاب توجه رسانه ملی که درباره چنین تولیدات هنری فاخراره سکوت در پیش گرفته و قاب تلویزیون را به جای همدلی ملی به عرصه‌ای برای پیشبرد اهداف سیاسی بدل کرده، آثاری مانند سیصد گات بار سبکینی بر دوش گرفته‌اند. عوامل نمایش موسیقایی سیصد و دست‌اندرکاران این اثر نمایشی قدم در راهی سخت و دشوار گذاشته‌اند و تا اینجای کار با استفاده از ظرفیت‌های هنر اصیل موسیقی ملی و ایرانی و موسیقی نواحی و نیز همراهی هنرمندان کشور درخشیده‌اند. امید است در ادامه راه نیز این سنت نیکو را استمرار دهند و همواره پیام‌آور همدلی و صلح و وطن‌خواهی باشند.



بازگشت دوباره به اصالت خانواده

آن را نداشته و او را در دایره محدود ترسش نگاه داشته و به او اجازه بیرون رفتن از محدوده جغرافیایی و محصور زندگی نداده است. «فرید» نیز نگران و مستاصل سیگار می‌کشد و شاید به زندگی دیگری فکر می‌کند. «فرید» و «کیمیا»‌های بسیاری در ایران در مواجهه با این وضعیت، گره کار را به مشاوران می‌سپارند تا آنها برایشان تصمیم بگیرند؛ اما آنها هستند که تصمیم نهایی را می‌گیرند. درنهایت «کیمیا» و «فرید» تصمیم به طلاق می‌گیرند. تصمیم به جدایی همان خطای سریع و فوری این روزهای زوج‌هایی است که رای و نظر را سریع به عمل تبدیل می‌کنند. تصمیمی از روی ناگاهی و بی‌خبری از فردای آن. تصمیمی که به‌راحتی بنیان خانواده را فرو می‌ریزد و آینده فرزندان را ویران می‌کند. پیشنهاد «کیمیا» عملی می‌شود و آنها از یکدیگر طلاق می‌گیرند و قرار می‌شود تکلیف «طاها» و «علیسان» با فاصله و جدایی روشن شود.

کارگردان «در آغوش درخت»، بسیار خلاقانه، سادگی و بی‌آلایش بودن فرزندان خانواده را با هویت و استقلال دادن و درعین‌حال وابستگی و دلبستگی آن دو به هم خلق می‌کند. دو برادری که هرچند کودک هستند، اما در بیشتر قاب‌های تصویر با همدیگر و یکدل‌اند و همدیگر را تأیید می‌کنند و در واکنش به صحبت‌های مادر که به آنها گفته بود از این پس بایست هردوی شما از هم جدا شوید، با در آغوش گرفتن یکدیگر به مادر واکنش نشان دادند. صحنه‌ای زیبا و بدون هیچ توضیح اضافه‌ای!
باک خواجehپاشا، نویسنده اثر، با زیرکی تمام به رخدادها و توفان‌های زیردرشت زندگی اشاره می‌کند؛ رخدادهایی که تلنگری جدی در بزنگاه‌های زندگی هستند و نهیب می‌زنند تا قبل از آمدن توفان بزرگ‌تر، درایت داشته باش و قدر داشته‌هایت را بدان!

«در آغوش درخت» به‌خوبی خودخواهی‌های مادر و پدر خانواده را از یک سو و دلبستگی‌های دو برادر را از سوی دیگر، به تصویر می‌کشد؛ یک کشاکش بی‌ظنیر و یک مقاومت نرم و

بیژن عبدالکریمی مطرح کرد

رسانه‌های رسمی نسبت به تحولات جامعه عقب هستند

بیژن عبدالکریمی، استاد فلسفه گفت: برنامه‌هایی مثل «سپنج» می‌تواند جامعه را به تفکر دعوت کند؛ مانع از پوپولیسم و بی‌فرهنگی شود.
بیژن عبدالکریمی، استاد فلسفه، با بیان اینکه نباید از یک «برنامه» انتظاری بیش از یک برنامه و از یک رسانه انتظاری بیش از یک رسانه داشت، گفت: اینکه توقع داشته باشیم یک برنامه منجر به ظهور انسان تازه و یافتن معنای زندگی شود، توقع بی‌جایی است؛ اما وجود برنامه‌هایی مثل سپنج می‌تواند جامعه را به تفکر دعوت کند و باعث شود جامعه کمتر به سمت رکود، پوپولیسم و بی‌فرهنگی حرکت کند. به بیان دیگر ساخت چنین برنامه‌هایی مقاومت اندکی است علیه بی‌فکری فرایگیری که جامعه با آن روبه‌روست.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر رسانه‌های رسمی نسبت به تحولات جامعه عقب هستند، افزود: من فکر می‌کنم پلتفرم‌های خصوصی پخش برنامه که در حال حاضر در کشور ما وجود دارد، فضای خوبی برای ساخت و پخش برنامه‌هایی مثل «سپنج» است؛ چون در حال حاضر رسانه‌های رسمی نسبت به تحولات جامعه عقب بوده و تنها منعکس‌کننده گفتمان‌های رسمی هستند. این در حالی است که مسائل فرهنگی، خارج از چارچوب‌ها و گفتمان‌های رسمی است. وی افزود: با توجه به بازخوردهایی که از این

و حقیقی باشد و در آن حرف‌های تکراری زده نشود، حتما

شرق

اخبار برگزیده

نمایش فیلم سینمایی «هیوا» در موزه سینما



به مناسبت زادروز زنده‌یاد «رسول ملاقلی‌پور»، فیلم سینمایی هیوا با همکاری فیلمخانه ملی ایران در موزه سینما نمایش داده می‌شود. این فیلم روز شنبه ۱۷ شهریورماه ساعت ۱۶ در سالن فردوس نمایش داده می‌شود و بعد از نمایش فیلم، جواد طوسی، منتقد پیش‌کسوت سینما و فرهاد قائمیان، بازیگر شناخته‌شده (نامزد دریافت سیمرغ برای نقش مکمل مرد) درباره سینمای کارگردان فقید سینما، «رسول ملاقلی‌پور» صحبت خواهند کرد.

فیلم سینمایی «هیوا» در هفدهمین جشنواره فیلم فجر برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلم، بهترین کارگردانی (رسول ملاقلی‌پور)، دیلم افتخار بهترین نقش اول مرد (جمشید هاشمی‌پور)، بهترین صابرداری (پهمن اردلان)، بهترین فیلم‌برداری (بهرام بدخشانی)، بهترین طراحی صحنه (علی دادکار)، بهترین طراحی صحنه (پهناز نازی) و تقدیر برای بهترین تدوین (حسین زندفان) شده است.

در این فیلم که سال ۱۳۷۷ ساخته شده است، بازیگرانی همچون: گلچهره سجادیه، جمشید هاشم‌پور، زنده‌یاد آبتالا پسیانی، فرهاد قائمیان، عبدالرضا زهره‌گرمانی، آناهیتا نعمتی و… نقش آفرینی کرده‌اند.

در خلاصه فیلم آمده است: هیوا اکبری پس از گذشت ۱۵ سال از مفقودشدن همسرش حمید در بحبوحه جنگ، تصمیم می‌گیرد تا از مناطق جنگی و خانه‌ای که در آن با همسرش زندگی می‌کرده، بازدید کند. امیر کرمی، که اکنون سفیر ایران در سنگال است و زمانی جزء همراهان حمید در جنگ بوده، می‌خواهد با هیوا ازدواج کند، ولی هیوا به‌رغم نشانه‌هایی از کشته‌شدن حمید همچنان در پی شوهرش است.

«پیر پسر» به ایتالیا رفت



فیلم سینمایی «پیر پسر» به کارگردانی اکتای براهنی در چهارمین حضور بین‌المللی خود در بیستمین دوره جشنواره فیلم لوکای ایتالیا به نمایش درمی‌آید. دومین ساخته اکتای براهنی به تهیه‌کنندگی بابک حمیدیان و حنیف سروری و سرمایه‌گذاری ارسلان براهنی و امیرحسین عبدالهپی، در بخش مسابقه اصلی جشنواره فیلم لوکا به رقابت با دیگر آثار سینمایی جهان می‌پردازد.

این رویداد سینمایی که از سال ۲۰۰۵ شروع به کار کرده هرساله در ماه‌های شهریور و مهر در شهر لوکا در کشور ایتالیا برگزار می‌شود. این فیلم سینمایی با بازی حامد بهداد، لیلیا حاتمی، محمد ولی‌زادگان و با هنرمندی حسن پورشیرازی و محمدرضا داوودنژاد، فهیمه رحیم‌تیا، علی رحیمی، میثم غنی‌زاده، مهسا باقری، مه‌ری کاظمی، هزیرسام احمدی، وحید رحمتی و… پیش‌تر نیز برنده جایزه پرده بزرگ بهترین فیلم از پنجاه‌وسومین دوره جشنواره فیلم روتردام شده و در جشنواره فیلم ترانسیلوانیای رومانی نیز به عنوان بهترین پرفورمنس و اجرای بازیگران مورد تحسین قرار گرفت.

همچنین حسن پورشیرازی برای بازی در این فیلم سینمایی جایزه بهترین بازیگر مرد بیست‌وسومین دوره فستیوال فیلم ترانسیلوانیای رومانی را از آن خود کرده است. این فیلم همچنین برنده جایزه بهترین فیلم در جشنواره فیلم کائوئی ایرلند نیز شده است. پخش بین‌الملل این فیلم به عهده کمپانی پخش هفت چشمه با مدیریت میلاد خسروی است.